

سرآغاز شعر نو کردی

و تحول فرم های آن

انور معرفت



کوسار

سرآغاز شعر «نو» کوردی و تحول فرم‌های آن



انور معرفت



معرفت، انور: ۱۳۴۵
سرآغاز شعر نو کردی و تحول فرم‌های آن / انور معرفت
سقز: گوتار ۱۳۹۳

ISBN: 978-600-5647-88-4

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا
موضوع: شعر سپید کردی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد
رده‌بندی دیویی: ۸۹/۲۱۰۹
کتابخانه ملی ایران: ۳۶۷۹۴۰۱
■ حق چاپ برای نویسنده محفوظ می‌باشد.

سرآغاز شعر نو کوردی و تحول فرم‌های آن

انور معرفت

طرح جلد و صفحه‌آرایی: آزاد سرخی

سال چاپ: ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

انتشارات گوتار

کردستان: سقز، پاساژ ماد، طبقه ۳، واحد ۳۲

تلفن: ۰۸۷ - ۳۶۲۲۷۰۳۰





فهرست

پیشگفتار.....	۹
درآمد.....	۱۱

فصل اول

زمینه‌های عینی پیدایش و تحولات شعر «نو» کوردی

سالهای بیداری و خودآگاهی.....	۱۹
پیامدهای جنگ جهانی اول (آغاز بحران).....	۲۲
گذر از دوره‌ی بحران.....	۲۳
نوگرایی همزمان ادبی در کوردستان، ایران و ترکیه.....	۲۴
دوره‌ی نخست: گوران، پیشاهنگ شعر نو موزون هجایی.....	۲۶
دوره‌ی دوم: پساگوران (گروه روانگه، گروه کفری).....	۲۹
شیرکو بیکه‌س، امپراتور چهاردهه شعر نو کوردی.....	۳۳
ظهور فرمالیسم در شعر نو کوردی.....	۳۴
شعر نو نامتعارف کوردی.....	۳۵

۳۶	دوره‌ی سوم: تحول فرم و مضمون.....
۳۹	پی‌نوشت و یادداشت‌های فصل نخست.....

فصل دوم

شعر نو کوردی در کوردستان ایران

۴۳	نسل نخست: دو دهه‌ی ۱۳۵۰-۱۳۳۰.....
۴۶	دوره غیاب؛ سکوتی سرد.....
۵۰	نسل دوم: دهه‌ی ۱۳۶۰-۱۳۵۰.....
۵۱	نسل سوم: دهه‌ی ۱۳۷۰-۱۳۶۰.....
۵۳	نسل چهارم: دهه‌ی ۱۳۸۰-۱۳۷۰.....
۵۵	گفتمان، گسست و تاریخ ادبیات کوردی.....
۶۰	گروه داکار.....
۶۳	گروه جیاواز.....
۷۱	شعر نو کوردی جنوب.....
۷۲	نوسنتی‌گرایان.....
۷۳	کتاب‌شناسی آثار شاعران نوگرا.....
۷۴	پی‌نوشت و یادداشت‌های فصل دوم.....

فصل سوم

دگرگونی‌های فرم در اشعار نو کوردی

۸۷	نگاهی به فرم در شعر نو فارسی.....
۹۶	فرم‌های شعر نو کوردی.....
۹۷	چهارپاره کوردی و پیشینه طولانی آن.....
۱۰۶	به‌یت یا چریکه.....
۱۰۸	کۆپله.....

۱۰۹	کورتۀ شیعر
۱۱۰	شیعری ئازاد
۱۱۲	په‌خشانه شیعر
۱۱۴	قه‌سیده شیعر
۱۱۴	چیرۆکه شیعر
۱۱۵	وتاره شیعر
۱۱۹	آزمودن قالب‌های متفاوت
۱۲۰	قالب پیش نویس (سیاه مشق)
۱۲۰	قالب ترکیبی
۱۲۱	شعر توگرافی (شعرنگاره)
۱۲۲	نمونه‌هایی از قالب‌های متفاوت شعر معاصر فارسی و کردی
۱۲۳	پی‌نوشت و یادداشت‌های فصل سوم

به‌شی چواره‌م

فورمه‌کانی کورتۀ شیعری نوئی کردی

۱۳۳	فورمه‌کانی کورتۀ شیعری نوئی کردی
۱۳۷	سی خشته‌کی
۱۳۸	پۆستیره شیعر
۱۳۹	چرکانه
۱۴۱	هایکو
۱۴۴	نمونه‌ی چهند کورتۀ شیعری کردی و فارسی
۱۴۹	یادداشته‌کانی به‌شی چواره‌م
۱۵۱	فهرست مراجع و منابع مورد مطالعه



کتاب «سرآغاز شعر نو کردی و تحول فرم‌های آن» از معدود کتاب‌هایی است که تا به حال به موضوع تاریخ تحول شعر «نو» کردی پرداخته است و به حق تلاش وافر بذل شده تا با استناد به کتب و مجلات منتشر شده، تصویری مرتب از تاریخ تحول شعر کردی را ارائه نماید.

این پژوهش در ۴ بخش به بررسی شکل‌گیری فرایند نوگرایی در ادبیات کردی پرداخته و این فرایند را در گستره‌ی وسیع کوردستان پی‌گیری نموده است و همه‌ی حلقه‌های شعری و تا سرحد ممکن، اکثر مجموعه‌های چاپ شده - علی‌الخصوص در کوردستان ایران - را مورد بررسی قرار داده است و تأثیر تحولات اجتماعی، فرهنگی و گفتمانی را نیز بر روند تحول ادبیات و به ویژه شعر معاصر کردی پیگیری نموده است.

این پژوهش تعریف جامع و مانعی را از شعر نو که پیشتر در اثر وزین شمس لنگرودی تحت عنوان «تاریخ تحلیلی شعر نو» ملاک قرار گرفته بود، معیار قرار داده و آن شعر نو را اصطلاحاً اشعاری دانسته‌است که از تعهدات سنتی نسبت به اوزان قراردادی و قافیه‌ها و ایماژها و تلمیحات و

کنایات... آزاد است.

اهمیت این سنخ از پژوهش‌های ادبی سوای از ارائه‌ی تصویری تاریخی از روند تحول شعر؛ در عمق بخشیدن به تجربه‌ها و بازآفرینی و نوآوری خلاقانه بسیار مفید فایده خواهند بود.

رضا شجعی
نشر گوتار



درآمد

به نظر می‌رسد نخستین کسی که «آزادی در شعر» را اعلام کرد ویکتور هوگو (۱۸۸۵-۱۸۰۲)، شاعر و نویسنده‌ی رمانتیک فرانسه در سال ۱۸۲۹ باشد. هر چند او پایبندی بسیاری به قالب، وزن و قافیه در شعر نشان می‌داد اما منظور وی از آزادی در شعر، آزادی در انتخاب «موضوع» و «محتوا»ی شعر بود. وی همه چیز را موضوع شعر می‌دانست و معتقد بود هر امری حق ورود به کشور شعر را دارد. عبارت «هنر برای هنر» نیز در همان سال از سوی او عنوان شد. نظریه‌ی هنر برای هنر با امتناع از مسئولیت‌های اجتماعی، انقلابی و حتی اخلاقی غایت و مقصودی به جز خود ندارد.

در حوالی سال ۱۸۶۰ عده‌ای از شاعران جوان فرانسه که بر ضد رمانتیسم قیام کرده و تحت تاثیر مشرب «هنر برای هنر» قرار گرفته بودند، دور هم گردآمدند. در راس این شاعران کنت دولیل قرار داشت که همه‌ی اطرافیان خود را تحت الشعاع قرارداده بود. در سال ۱۸۶۶ مجموعه شعری مرکب از آثار این شاعران تحت عنوان «پارناس معاصر» انتشار یافت که استقبال

خوانندگان، مشوقی شد برای انتشار جلد‌های بعدی آن. این شاعران به نام «پارناسین» معروف شدند. اما اغلب، انتشار مجموعه‌ی «گل‌های شر» اثر «شارل بودلر» را در سال ۱۸۵۷ سرآغاز «شعر جدید» می‌دانند. در این سال‌ها فرانسه از شعر مصنوعی پاراناس خسته شده و همه در انتظار شعری والا بودند. سال ۱۸۷۶ نیز استفان مالارمه، «بعد از ظهر یک فون» را منتشر کرد. انتشار شعرهای این دو شاعر که ابتدا با اعتراض و بی‌اعتنایی روبرو شده بود، ناگهان به عنوان شعر جدید و سرایندگان‌شان به عنوان پیشروان شعر جدید مطرح شدند.

اواخر قرن نوزدهم نهضت شاعرانه‌ای در فرانسه به نام «سمبولیسم» آغاز می‌شود که در راس آن سه شاعر بزرگ فرانسوی قرار دارند: شارل بودلر (۱۸۲۱-۱۸۶۷) که به پدر سمبولیسم شناخته می‌شود، آرتور رمبو (۱۷۵۴-۱۸۹۱) و استفان مالارمه (۱۸۴۲-۱۸۹۸) هر سه تن آنها گذشته از شاعر بودن، نظریه پرداز نیز بودند به طوری که هم شعرشان و هم آن چه درباره‌ی شعر اندیشیده و گفته‌اند، سرآغازی بر تغییر اساسی در شعر آینده به شمار می‌روند. رولان بارت اندیشمند معاصر فرانسوی بر آن است که «شعر مدرن» نه با «بودلر» بلکه با «رمبو» آغاز می‌شود و شعر مدرن از راه تجدید نظر در اسلوب سنتی قواعد صوری شعر کلاسیک گسترش می‌یابد. (دقیقین، ۱۳۹۰: ۶۵)

نقطه‌ی عطف پیدایش شعر نو هم در سطح درونمایه و هم در سطح قالب بیرونی، پیدایش مکتب ادبی سمبولیسم و انتشار «بیانیه‌ی سمبولیسم» در سال ۱۸۸۶ می‌باشد. این جریان در سال ۱۸۹۰ به دوره‌ی اوج فعالیت ادبی خود رسیده و در دو دسته، رویکردهای فرمیک متفاوتی به شعر در پیش گرفتند. گروهی از آنان از جمله پل ورنل و ژول لافورگ به فکر درهم

شکستن قالب‌های موجود شعر افتادند و پای «شعر آزاد» (Free Verse) را به میان آوردند. آنان در راستای آزادسازی شعر از قالب‌های محدود، نظم مصراع‌های دوازده هجایی را که قالب اصلی شعر فرانسه بود، برهم زدند و به جای آن قالب‌های گوناگونی برای شعر به وجود آوردند. مصراع‌های کوتاه و بلند نامساوی، افزایش تعداد هجاهای یک مصراع و ساده‌تر کردن قافیه‌ها از جمله تغییراتی بود که ضرورت تقسیم شعر به مصراع‌های مساوی را نزد آنان انکار می‌کرد. «شعر آزاد»ی که نتیجه‌ی این تحولات و تمایلات بود عبارت بود از شماری پاره‌های موزون نامساوی. در این شعر دیگر وحدت اصلی و حساب شده‌ای برای قالب شعر در میان نبود بلکه وحدت شعر را وحدت اندیشه و تصویری که در آن بود تعیین می‌کرد. کوتاهی و بلندی ابیات را نیز وضع مضمون آن ابیات تعیین می‌کرد. نخستین شعر آزاد را «آرتور رمبو» در سال ۱۸۸۶ سرود. (سیدحسینی، ۱۳۸۴: ص ۴۷۵ و ۴۸۱ و ۵۴۶)

دکتر شفیعی کدکنی از شعر آزاد این دوره از تاریخ ادبیات فرانسه به عنوان «شعر منثور» نام می‌برد که شهرت آن به عنوان یک نمونه‌ی موفق شعری با کارهای بودلر از قبیل «ملال پاریس» منتشر شده در سال ۱۸۶۹ آغاز می‌شود و نیز «گل‌های شر». اما شاعری که شاهکارهای او را شعر منثور تشکیل می‌دهد، آرتور رمبو است که در سال ۱۸۶۶ منتشر شده است و نیز آثار مالارمه در سال ۱۸۹۷. از درون مجموعه‌ی اشراقات و بعضی کارهای مالارمه است که «شعر آزاد» و جریان سیال ذهن و سوررئالیسم و دیگر جریان‌های ادبیات مدرن سرچشمه گرفت. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ص ۲۴۳)

چنان که آشکار گردید مهد شعر آزاد یا شعر نو جهان، کشور فرانسه می‌باشد و بخشی از زمینه‌های ادبی تحول در شعر فارسی توسط نیما یوشیج نیز به تحصیل او در مدرسه‌ی سن لویی تهران و آشنایی وی با زبان فرانسه

و مطالعه آثار ادبی و انتقادی شاعران نوگرای فرانسه در اواخر قرن ۱۹ و نیز ترجمه‌ی آثار و انتشار آثار ادبی فرانسه توسط یوسف اعتصام‌الملک و... برمی‌گردد. دکتر شفیع کدکنی در کتاب ادوار شعر فارسی از نیما به عنوان «نماینده‌ی برداشت از رمانتیسم اروپایی» در عصر رضاخانی نام می‌برد که از لحاظ درون متنی متأثر از رمانتیسم فرانسه بود. هر چند نیما بعدتر جریان سمبولیسم اجتماعی را در شعر نو ایران پیشاهنگی می‌کند.

آن سوتر نیز نسل نخست شاعران نوگرای کورد، به ویژه گوران بدون تاثیرپذیری از زبان و ادبیات فرانسه نبوده‌اند که با واسطه‌ی شاعران نوپرداز ترکیه و از راه ترجمه‌ی ادبیات فرانسه به زبان ترکی به دست آنها می‌رسید. از همین روی در ابتدای کتاب «سرآغاز شعر نو کوردی» اشاره‌ی کوتاهی به تاریخ تحولات و پیشگامان شعر نو جهان ضروری می‌نمود.



فصل اول

زمینه های عینی پیدایش و

تحولات شعر نو کوردی



ادبیات و هنر همواره در دو بستر بیرونی شامل تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و بستر درونی، دگرگون می‌شوند. این دگرگونی همواره بطئی و پیوسته روی می‌دهند تا زمانی که بحران‌های اجتماعی و سیاسی به عنوان زمینه‌های عینی و «تحولات ذهنی و گفتمانی» به عنوان زمینه‌های ذهنی به نقطه‌ی عطفی در روند پویای خود دست می‌یابند. در این نقطه‌ی عطف تاریخی، فکر نوآوری و تغییر در شکل و رویکرد انواع هنری و ادبی به دستان نسل جوان و شورمند ایجاد می‌گردد. نمونه‌های تاریخی چنین دگرگونی‌هایی در حوزه‌ی ادبیات کشورهای ایران و ترکیه متأثر از جنبش‌های اجتماعی و پیروزی انقلاب مشروطیت در سالهای نخست سده‌ی بیستم گویای این فرضیه هستند که هر چند حیات اجتماعی، تغییرات را پیوسته در خود می‌پروراند اما یک «نقطه‌ی تحول یا عزیمت» لازم است تا زنگهای آغاز دوره‌ی جدیدی را به صدا درآورد. نقطه‌ی عزیمتی که هر چند ممکن است محصول «یک بحران» یا «گفتمان» باشد که رو به سوی «تغییر» دارد و وضعیت موجود و پیشینی را از وضعیت پسینی و آتی متفاوت می‌سازد.

بحران در اینجا ناظر بر موقعیتی است که در آن دیگر سرمشق‌های مسلط پاسخگوی بسیاری از پرسش‌ها و نکته‌هایی که نتیجه‌ی آزمون‌ها و نظریه پردازی‌ها (سنت‌های ادبی) هستند، نیست. (جهان‌دیده، ۱۳۷۹: ص ۳۴)

بعد از تغییرات سیاسی و اجتماعی ناشی از بحران‌های بیرونی و عینی (انقلاب، شورش، جنگ، کودتا، رفرم) و پیامدهای ذهنی آنها؛ دورنمای عمومی روبه آینده و وضعیتی جدید گشوده می‌شود که برگشت به وضعیت پیشین و حتی ایستایی در وضعیت تعلیق را غیرممکن می‌سازد. شمایل روند تحولات ادبی و هنری را می‌توان در برآیند موقعیت‌های زیر نمودار ساخت:

ساخت‌های از پیش آماده (شکل، معنی، مضمون، نشانه‌ها) ← سنت ادبی موجود ← بحران عینی / بحران ذهنی ← نرم‌ها و فرم‌های جدید ← چالش و کشمکش فرم‌های پویا...

عکس این تئوری نیز مصداقی در تاریخ ادبیات ایران دارد به طوری که علیرغم آماده بودن بسترهای ذهنی و فرهنگی لازم برای تغییر در سبک ادبی اواخر دوره‌ی قاجار به سبب بیزاری از ساختار تصنعی سبک هندی؛ چون هیچگونه جنبش اجتماعی و رخداد بیرونی در میان نبود، تمایلات تحول آفرین، مسیر بازگشت بی‌کم و کاست به سبک و شیوه‌ی ادبی قدما را پیموده و «دوره‌ی بازگشت ادبی» را رقم زد.

همراه با پیامدهای دگرگون‌کننده‌ی بحران‌ها و به موازات تغییراتی که در سایر حوزه‌های زندگی روی می‌دهند، حوزه‌های هنر و ادبیات نیز به طور اجتناب‌ناپذیری روبروی دگرگونی و بازسازی دوباره می‌شوند به گونه‌ای که همواره فرم‌ها و ژانرها را به پوست اندازی یا فراروی و گسست از ساخت و سنت موجود در راستای گزینه‌های نوین متناسب با وضعیت جدید فرا

می‌خواند. نوآوری، ابداع و صورت بندی فرم‌های نو در حوزه‌ی ادبیات و هنر همواره در دوران ثبات و آرامش نسبی بعد از بحران تبلور می‌یابد.

در بعد درونی اما چرا انواع ادبی تازه پدیدار و شاهد تغییرات چشمگیر در درون نوع ادبی واحدی هستیم؟ شاید پاسخ‌های روشمند و علمی هر دیدگاهی اعم از تاریخی و جامعه‌شناختی به اندازه‌ی پاسخ فرمالیستها به این پرسش، ساده و مایه‌ی شگفتی نباشد: «آشنایی زدایی». «ادبیات در حکم یک کل خود را از طریق شکل دادن به انواع جدید، نو می‌کند و این انواع ادبی نیز از طریق به کارگیری نقیضه (پارودی) و یا از طریق گرفتن مواد و روشهای جدید از انواع دیگر یا از فرهنگ عامه (فولکلور) از خود «آشنایی زدایی» می‌کند و در نتیجه دگرگون می‌شوند.» (ویلم برتر، ۱۳۸۲: ص ۶۱)

ما امروز به نود سالگی نو شدن شعر کوردی نزدیک میشویم. هم اکنون بیشتر منتقدین و تاریخ نگاران ادبیات معاصر کوردی بر دو عنصر ضروری برای رویداد تاریخی نوشدن شعر کوردی یعنی «زمان» و «مکان» اتفاق نظر دارند. تاریخ شفاهی، مستندات ژورنالیستی و پژوهش‌های گوناگون بر «زمان» تکوین شعر نو کوردی در ربع نخست قرن ۲۰ و «مکان» نشو و نمای آن «شهر سلیمانیه» توسط شیخ نوری شیخ صالح و عبدالله سلیمان (گوران) گواهی می‌دهند.

سألهای بیداری و خودآگاهی

در این جا سال‌شمار وقایعی را مرور خواهیم کرد که در گسترهی جهانی، منطقه‌ای و محلی مولفه‌های وقوع بحران، فروپاشی و مناسبات جدید پس از بحران را به وجود آوردند. مولفه‌هایی که زمینه‌ی ظهور و تکوین ادبیات نوین کوردی اعم از شعر و داستان را با گویش سورانی فراهم نمودند. زیرا

هرگاه سخن از چگونگی و ماهیت نوزایی ادبی به میان می‌آید نمیتوان عوامل بیرونی ادبیات یعنی دوره‌ی تاریخی، شرایط اجتماعی و اثرات آنها را روی نسلی که آن دوره و شرایط را زیسته‌اند و پیشاهنگ تغییرات بوده‌اند، نادیده گرفت. مانند تجربه‌ی تاریخی همه‌ی ملت‌های دنیا، تحولات جهانی و حوادث داخلی همواره فرایند متحول شدن شعر کوردی را تسریع کرده‌اند.

سال‌های پایانی قرن ۱۹ و سرآغاز قرن ۲۰ برهه‌ی زمانی آشفته‌ای بود که تحولات اساسی را برای کوردها و ملت‌های خاورمیانه ساکن در قلمرو امپراتوری عثمانی رقم زد. با افزایش فشار و ستم سلاطین تورک عثمانی، افکار ملی‌گرایانه هم میان ملیت‌های زیر سلطه‌ی منطقه نفوذ پیدا کرد. آنها خواستار احیای زبان، تاریخ و فرهنگ ملی و بنیان نهادن دولت‌های ملی خود بودند. گسترش بیداری ملت‌ها و تاسیس نهادها و سازمان‌های اجتماعی مانند سازمان جوانان، سازمان زنان و به موازات آنها انتشار روزنامه و مجله و کتاب به سازماندهی و روشنگری پرداختند به طوری که کوردهای ساکن در قلمرو دولت عثمانی بیشترین بهره را از وجود آنها بردند. نخستین روزنامه‌ی کوردی به نام «کوردستان» در سال ۱۸۹۸ میلادی توسط مقداد مدحت بدرخان، پا به عرصه‌ی روشنفکری و روشنگری کوردی نهاد. تا سال ۱۹۰۲ در مجموع ۳۱ شماره از «کوردستان» در شهرهای قاهره‌ی مصر، ژنو سوئیس، لندن و فولکستون بریتانیا منتشر شد. در داخل دولت و ارتش عثمانی نیز کارگزاران و افسران ارشدی حضور داشتند که فعالیت‌های فرهنگی خود را در شهر استانبول متمرکز کرده بودند. اینان که محرک و مشوق جنبش فرهنگی و حق طلبانه‌ی مردم کورد بودند در دوره‌های بعد نقش کادرهای دارای اورتوریتته‌ی جنبش را در راستای توسعه‌ی زبان و فرهنگ کوردی برعهده گرفتند.

با گسترش جنبش‌های حق طلبانه‌ی ملیت‌های منطقه و دو سال پس از صدور فرمان مشروطیت ایران توسط مظفرالدین شاه قاجار، در سال ۱۹۰۸ سلطان عبدالحمید در برابر مشروطیت ترکیه و انجام اصلاحات قانونی مورد درخواست انجمن «ترک‌های جوان» متشکل در «جمعیت اتحاد و ترقی» سر فرود آورد. اصلاحاتی که بسیاری از حقوق سیاسی و فرهنگی ملت‌های خاورمیانه و آسیای صغیر را به رسمیت می‌شناخت. مشروطیت عثمانی با محوریت وضع قانون اساسی، تشکیل مجلس شورا و محدود کردن قدرت سلطان موجهی از خودآگاهی و انتشار افکار روشنگرانه را در میان ملت‌های غیر ترک عثمانی نیز به وجود آورد که بلافاصله به شکل‌گیری «مسئله‌ی ملی» آنها و تلاش و سازماندهی برای حل آن انجامید. روشنفکران، نظامیان و بوروکرات‌های کورد ساکن در شهر استانبول نیز همگام با نیروهای پیشرو سایر ملل زیر سیطره‌ی عثمانی‌ها به صف جنبش‌های ملی و رهایی‌بخش پیوستند. چند ماه پس از واگذاری دولت از سوی سلطان عبدالحمید به «ترک‌های جوان»، نخستین سازمان سیاسی کوردها در قرن ۲۰ به نام «جمعیت تعالی و ترقی» از سوی امین عالی بدرخان، ژنرال شریف پاشا، عبدالقادر شمزینی و سال ۱۹۱۰ «جمعیت هیوا» در استانبول اعلام موجودیت کردند. هم‌زمان جمعیت دیگری به نام «نشر معارف کوردی» فعالیت‌های آموزشی خود را آغاز کرد. در دوره‌ی اصلاحات عثمانی شماری روزنامه و مطبوعات کوردی پا به عرصه نهادند. مانند: «کورد» ارگان جمعیت تعالی و ترقی کورد با صاحب امتیازی حاجی توفیق بیگ (پیره‌می‌رد) سال ۱۹۰۸ در استانبول، «پرؤژی کورد و هه‌تاوی کورد» ارگان جمعیت سیاسی - فرهنگی هیوا سال ۱۹۱۳ در استانبول، «بانگی کورد» سال ۱۹۱۳ و «تِیگه‌یشتنی راستی» سال ۱۹۱۸ در بغداد و...